

بررسی روش های تدریس و سبک های مدیریتی کلاس و تاثیر این روش ها بر روند تحصیلی دانش آموزان

فاطمه حسینی

کارشناسی منابع طبیعی پردیس نازلو ارومیه/کارمند آموزش و پرورش

چکیده

در این مقاله، روش های تدریس، نظریه ها و سبک های مدیریت کلاس بررسی شده است و تاثیر این روش ها بر روند تحصیلی دانش آموزان مورد بررسی قرار گرفته است. اولین بخش این مقاله به بررسی روش های تدریس می پردازد. روش های تدریس شامل روش تدریس سنتی، روش تدریس مبتنی بر مشارکت دانش آموزان، روش تدریس مبتنی بر بازی ها و فعالیت های تعاملی، و روش تدریس مبتنی بر فن آوری آموزشی می باشد. بررسی نظریه ها نیز به مطالعه نظریه های شناختی، نظریه های روانشناختی، و نظریه های اجتماعی و فرهنگی مرتبط با تعلیم و تربیت پرداخته است. این سبک ها شامل سبک مدیریت معلم محور، سبک مدیریت دانش آموز محور، سبک مدیریت دموکراتیک و سبک مدیریت اتوکراتیک می باشند. این بخش نقش هر سبک مدیریت در تحصیل و رفتار دانش آموزان را بررسی می کند و نتایج آزمون ها و مطالعات علمی مرتبط را گزارش می دهد. در نهایت، تاثیر این روش ها و سبک های مدیریت کلاس بر روند تحصیلی دانش آموزان مورد بررسی قرار می گیرد. نتایج این تحقیقات نشان می دهد که روش های تدریس مبتنی بر مشارکت دانش آموزان و فعالیت های تعاملی و همچنین استفاده از فن آوری آموزشی بهبود قابل ملاحظه ای در روند تحصیلی دانش آموزان ایجاد می کنند. همچنین، سبک های مدیریت کلاس محور دانش آموز و سبک مدیریت دموکراتیک نیز بر تحصیل و رفتار دانش آموزان تاثیر مثبتی دارند. با توجه به نتایج این مقاله، توصیه می شود که مدارس و معلمان از روش های تدریس مبتنی بر مشارکت دانش آموزان، فعالیت های تعاملی و فن آوری آموزشی استفاده کنند و سبک های مدیریت کلاس محور دانش آموز و دموکراتیک را بهره بگیرند. این اقدامات می توانند بهبود محسوسی در روند تحصیلی دانش آموزان به همراه داشته باشند.

کلمات کلیدی: سبک های مدیریتی کلاس، روش تدریس، دانش آموزان

مقدمه

مدیریت یعنی هنر انجام دادن کارها به وسیله ی دیگران (فالت) در این تعریف رفتار آمرانه معلم و همچنین خود محوری وی مورد انتقاد قرار میگیرد با توجه به این تعریف معلم بایستی یک راهنمای خوب باشد ولی کارها توسط خود دانش آموز انجام شود و آنها در امر یادگیری فعال باشند. بدیهی است که هر چه مشارکت دانش آموزان در فعالیتهای کلاسی و امر یادگیری بیشتر باشد رشد مهارتهای گوناگون در آنان بیشتر میشود و متکی به خود میگردند و اعتماد بنفس در آنان رشد میکند. باید در نظر داشت که این تعریف در کلاسهایی که فراگیران دوران کودکی را طی می کنند، دارای کاربرد زیادی نیست در مقطع ابتدایی پیش از آنکه معلم به کودکان آموزش دهد بایستی عمدتاً خود، برنامه ریز بوده و اهداف آموزشی را دنبال، کند زیرا با توجه به ویژگیهای خاص کودکان اولامتکی به دیگران بوده و ثانیاً کم تجربه می باشند، این وظیفه به معلم برمی گردد در حالی که آموزش بزرگسالان به دلیل اینکه آنان در امر برنامه ریزیهای درسی و کلاسی، از اهمیت زیادی برخوردار میگردند با توجه به موارد فوق در آموزش دورههای، بالاتر لازم است، فراگیران خود در امر یادگیری مشارکت داشته باشند در تعریف دیگر مدیریت کار کردن با افراد به وسیله اعضای گروهها برای تحقق اهداف سازمانی بیان شده است (پرداختچی، ۱۳۷۲). صفوی (۱۳۷۲) مدیریت کلاس درس را، رهبری کردن امور کلاس درس از طریق تنظیم برنامه درسی، سازماندهی مراحل کار و، منابع سازماندهی محیط به منظور بالا بردن کارایی نظارت بر پیشرفت دانش آموزان و پیش بینی مسایل بالقوه می داند. رثوفی (۱۳۷۷) مدیریت کلاس درس را این گونه تعریف میکند: کند مدیریت کلاس عبارت است از هنر به کاربردن دانش تخصصی و بهره گیری از مهارتهای کلاسرداری در هدایت دانش آموزان به سوی اهداف مطلوب مورد نیاز دانش آموزان و جامعه گرچه کارایی معلم براساس، نگرش نیات و شخصیت از یک سو و همه جانبه بودن او بر اساس مهارت در توانمندسازی دانش آموزان از سوی دیگر سنگ بنای مدیریت کلاس درس است اما معلم به مهارتها و فتنونی سازمان دهنده نیاز دارد تا شرایط بهینه ای را برای تحقق یادگیری خلق کند (تاج الدین، ۱۳۸۲). مهمترین دغدغه ی معلمان مبتدی از اداره ی کلاس و یا به تعبیری مدیریت اداره ی کلاس درس ناشی می شود. برقراری نظم و کنترل کلاس و تدریس موفق مجموعه نگرانیهای این گونه معلمان است. بنابراین آگاهی از مفهوم مدیریت کلاس و راهبردهای آن راهی برای رفع این نگرانی هاست در تعریف مدیریت کلاس درس گفته شده است مدیریت کلاس درس ایجاد شرایط لازم برای تحقق یادگیری است. بر این اساس میتوان استنتاج کرد مهارتهای مدیریت کلاس درس سنگ بنای کل موفقیت در تدریس است این امر به ویژه در کلاسهای درس مدرسههای ایران که مملو از دانش آموزانی است که گاهی شمار آنان بالاتر از حد استاندارد است از اهمیت ویژه ای برخوردار است. باتوجه به این که وظیفه اصلی آموزش و پرورش، تربیت معلمان برای هدایت و انسان سازی است و این امر مستقیماً به دانش آموزان یک جامعه برمی گردد لازم است تا این قشرعظیم درجامعه بیشتر تحت تعلیم و تربیت قرارگیرند و متقابلاً معلمان نیز با بهره گیری از آخرین شیوه های تدریس آنها را درآموزشگاهها به کارگیرند و درجهت افزایش بهره دهی و بهره وری تعلیم و تربیت کوشا باشند. مدیریت کلاس را مجموعه ای از برنامه ریزیها و اقداماتی تعریف می کنیم که معلم برای اطمینان یافتن از اثربخشی و کارایی یادگیری در کلاس انجام می دهد. به دیگر سخن مدیریت کلاس درس به مفهوم ایجاد شرایط لازم برای تحقق یادگیری است. (اسکریونر، ۱۹۹۴). مدیریت کلاس درس عبارت

از رهبری کردن امور کلاس درس از طریق: تنظیم برنامه درسی، سازماندهی مراحل کار و منابع، سازماندهی محیط به منظور بالا بردن کار نظارت بر پیشرفت دانش آموزان و پیش بینی مسائل با لقوه است. (صفوی، ۱۳۷۲). تعریف دیگری از سازماندهی و مدیریت کلاس اهمیت و ضرورت مدیریت و انضباط کلاس بدون شک به منظور تدریس و نیل به اهداف آموزش و پرورش، وجود شرایطی لازم می باشد، از جمله این شرایط می توان به نظم حاکم بر کلاس به عنوان فاکتوری مهم اشاره نمود، زیرا کلاسی که در آن اولین گام یادگیری (یعنی نظم و انضباط و مشارکت در فعالیت و جلب توجه فعال شاگردان) اعمال نگردد، به یقین نتایج مطلوبی نخواهد داشت. روش های کلاس داری و نظم کلاس در ایجاد انگیزه برای یادگیری دانش آموزان بسیار موثر می باشد. براین اساس، می توان استنتاج

کرد که مهارت های مدیریت کلاس درس سنگ بنای کل موفقیت در تدریس است. این امر به ویژه در کلاسهای درس در ایران که مملو از دانش آموزانی است که گاهی شمار آنان بالاتر از حد معمول تن می رسد، از اهمیت حیاتی برخوردار است. توانایی اداره کلاس و ایجاد رفتار مطلوب در دانش آموزان، بخش مهمی از کار هر معلم و کلاس و زمینه مناسبی برای یادگیری است. معلم به مهارت ها و فنونی سازمان دهنده نیاز دارد تا شرایط بهینه ای را برای تحقق یادگیری خلق کند. به نظر می رسد معلم برای اداره مطلوب و منظم کلاس درس به دو مهارت نیاز دارد: ۱- برقراری ارتباط مؤثر و مثبت با دانش آموزان و ۲- مدیریت کلاس. این دو مهارت باعث تسهیل امر آموزش و کاهش رفتارهای نامطلوب دانش آموزان می شود. یکی از عواملی که امروزه معلمان، مدیران و سیاست گذاران آموزش و پرورش به عنوان موضوعی مهم و اساسی بدان توجه دارند، عامل مدیریت کلاس است. انتخاب روش صحیح مدیریت کلاس درس و سازمان دهی، آن از علائم موفقیت معلم به شمار می آید. انتخاب هرگونه شیوه ی مدیریتی به سبک تدریس و هدفهای معلم بستگی دارد معلمان با به کارگیری روش مدیریت مناسب کلاس درس خود میتوانند در پرورش مهارت های، اجتماعی خلاقیتها و تواناییهای دانش آموزان نقش مهمی داشته باشند و مشکلات انضباطی کمتری در کلاس خود مشاهده کنند اداره کردن چنین محیطی نیازمند تصمیمات آنی و اقدامات سریع و مداوم است و به مهارت های خاص مدیریتی و گاهی تلفیق از چند روش مدیریتی نیاز دارد در این جا سه روش مدیریت کلاس درس ارائه می شود هرگنهان والسون (۱۳۸۷). روش رفتارگرایانه رویکرد رفتار گرایانه به این نکته تأکید دارد که معلم باید تصمیمی اتخاذ کند تا در کلاس درس او مشکلی به وجود نیاید از آغاز سال تحصیلی معلم موظف است قوانین و مقررات کلاس درس را وضع کند. دانش آموزان نیز موظف اند آن قوانین را اجرا کنند فرایند تقویت از طریق پاداش دادن به رفتارهای مطلوب و پس گرفتن امتیاز در صورت بروز رفتارهای غیر مطلوب در این روش مؤثر است اقتدار معلم در این روش کاملاً محفوظ است و معلم در وضع و حفظ مقررات کلاس از این اقتدار بهره می جوید. ۲. روش تعامل گرایانه در این روش مشکلات کلاس پیامد طبیعی حضور دانش آموزان تلقی می شود، غیر منتظره به نظر نمی رسد و مانند فعالیتهای حل مسئله در کلاس مورد توجه قرار میگیرد و حل و فصل می شود. روش غیر مداخله جویانه این روش حد وسط دو روش رفتارگرایانه و تعامل گرایانه است مداخله ی معلم در حل مشکلات کلاس بسیار اندک است. هدف اصلی در این روش ارتقای رشد فردی دانش آموزان و آزادی آنان است. معلمان در این روش با دانش آموزان خود رابطه ی مشاوره ای دارند و معلم در فعالیتهای کلاس نقشی حمایتی از دانش آموز دارد. این روش حداقل اقتدار را برای معلم در نظر میگیرد و به جای آن بیشتر به تقویت روابط میان معلم و دانش آموز تأکید دارد. به طور کلی نمیتوان گفت کدام روش کارآمدتر یا فاقد کارایی است روشی برای معلم کارآمد است که بهترین نتیجه را در کلاس درس او داشته باشد بنابراین معلم باید روشهای متعدد را در کلاس خود بیازماید و کارآمدترین را انتخاب کند. البته به صراحت میتوان گفت شمار معلمانی که از نظر سبک یکی از روشهای مدیریت رفتارگرایانه یا تعامل گرایانه یا غیر مداخله جو را اعمال میکنند، اندک است.

اکثر معلمان بدون این که از روش مدیریت کلاس درس خود آگاه باشند، ترکیبی از سه نوع مدیریت را مورد رد استفاده قرار می دهند. این معلمان روش مدیریت صحیح و علمی و استاندارد را در هر لحظه از زمان تدریس خود به کار میگیرند و کلاس درس آنها همیشه فعال و زنده و پر از نشاط و انگیزه ی یادگیری است هرگنهان والسون، (۱۳۸۷). از زمانی که تعلیم و تربیت به وجود آمده است، معلمان به رفتار دانش آموزان توجه داشته اند. حتی سقراط شکایت داشت که دانشجویان او "عاشق تجملمند"، رفتارهای بدی دارند و به اولیای خود بی احترامی می کنند.

این نگرانی فزاینده وجود دارد که رفتارهای نامناسب دانش آموزان امروز، به مراتب بیش تر و شدیدتر از گذشتگان باشد، ولی شواهد اندکی برای اثبات این نظریه وجود دارد. کارشناسان گوناگون نظریات متفاوتی درباره اداره کلاس مطرح کرده اند، ولی بهترین شواهد را باید از مشاهده مستقیم کار معلمان در سازماندهی محیط کلاس به دست آورد. در سال های اخیر، اصطلاح "مدیریت کلاس"

عمدتاً به نوعی روش رفتاری برای هدایت رفتار کلاس اشاره داشته است. این هشت اصل در زمینه مدیریت کلاس می توانند مفید باشند:

۱- امکان فعالیت های یادگیری معنادار را فراهم سازید. رمز پیشگیری از بروز مشکلات در کلاس، داشتن فعالیت های با معنا و چالشگرانه است. وقتی دانش آموزان به کار خویش علاقه مند باشند، بی نظمی در کلاس کمتر می شود و زمانی که اطلاعات درسی برای دانش آموزان با معنا باشد، یادگیری تقویت می شود. یک عامل مهم برای پیدا کردن فعالیت های با معنا، اطلاعات شما از دانش آموزان، علاقه ها، روش فکری و میزان آمادگی آنان است.

۲- کلاس را به محیط حمایت کننده تبدیل کنید. یادگیری و رشد، خود به خود اتفاق نمی افتد و به این منظور لازم است به نیازهای دانش آموزان پاسخ داده شود. کلاس باید محیطی باشد که در آن، به نیازهای زیستی، ایمنی، تعلق و احترام به نفس در حد اعلای ممکن پاسخ داده شود. آشکار است که معلم نمی تواند جایگزین پدر و مادر شود و سرپرستی و عشقی را که کودک نیاز دارد، برای او فراهم کند، ولی مسلماً می تواند امنیت دانش آموز را در کلاس تضمین کند و با تحسین صادقانه او، نقشی تسهیل کننده ایفا کند. ۳- برای یادگیری موفقیت آمیز، فرصت های لازم را فراهم آورید. این گفته قدیمی که "موفقیت، موفقیت می آورد" در کلاس درس، کم تر از سایر جاها صادق نیست. همه دانش آموزان باید امکان تجربه موفقیت را در کلاس داشته باشند. این تجربه ممکن است از سهیم شدن در کارها تا پیشرفت در درسی خاص تغییر کند. معنای موفقیت تنها پیروزی در رقابت با دیگران نیست. پیشرفت فرد در انجام کارهای خود، منبع مهم کسب موفقیت است. معلمان موفق، فعالیت هایی را برنامه ریزی می کنند که ضمن کارآمد بودن، احتمال موفقیت در آن ها زیاد باشد.

۴- به دانش آموزان کمک کنید، هدف های مربوط به اصلاح خود را تعریف کنند. هدف هایی که دانش آموزان انتخاب می کنند، در رفتار موفقیت آمیز آنان تأثیر دارد؛ یعنی احتمال بروز رفتارهای سازنده از دانش آموزانی که هدف های مربوط به اصلاح خود را دنبال می کنند، بسیار بیش تر از آن هایی است که فقط در پی هدف های عملی کلاس هستند.

۵- درباره نتایج کارها، اطلاعات لازم را در اختیار دانش آموزان بگذارید. گفتن نتایج کارها توسط معلمان، با موفقیت دانش آموزان رابطه نزدیک دارد. اگر آن ها به بچه ها، کارهای خوبشان و معیارهای خوب انجام دادن کارها را توضیح دهند، یادگیری دانش آموزان

استمرار پیدا می کند و امکان بروز رفتارهای بد کاهش می یابد. به علاوه، این کار سبب می شود که آن ها درباره خود در رابطه با کارهایشان داوری کنند و کارهایشان را تحلیل کنند.

۶- دانش آموزان را در تصمیم گیری شرکت دهید. دانش آموزان نیاز دارند که احساس کنند در مورد کارهایی که انجام می دهند، مختارند. اگر مدیریت کلاس ضعیف باشد، آن ها احساس می کنند که در مورد یادگیری خود اختیار ندارند. در این صورت، آن ها آنچه را معلم می خواهد انجام می دهند و انگیزه شان برای ادامه کار کاهش می یابد. معلمان موفق به دانش آموزان خویش اجازه می دهند که نقش مهمی را در تعیین تجربه های یادگیری ایفا کنند. آن ها اغلب به دانش آموزان اجازه می دهند که درباره موضوع، زمان و نحوه یادگیری تصمیم بگیرند. مشارکت دانش آموزان سبب می شود که احساس کنند، بر اوضاع مسلط هستند. در نتیجه، انگیزه آن ها افزایش و امکان بد رفتاری شان کاهش می یابد.

۷- برای روزهای "بد" برنامه ریزی کنید. گاهی موفق ترین معلمان نیز با وجود برنامه ریزی، از تدریس باز می مانند. از جمله رویدادهایی مثل بیماری، مشکلات خانوادگی و ... برای آن ها به وجود می آید. در این صورت، با یک پیش برنامه کلی و با معنا برای مواقع اضطراری، می توان دانش آموزان را کاملاً مشغول کرد.

۸- رفتارهای مناسب را تقویت کنید. دانش آموزان نمی توانند در یک زمان، هم مسأله ریاضی حل کنند و هم با یکدیگر صحبت کنند. در این جا حل مسأله، رفتار مناسب و صحبت کردن، رفتار نامناسب است. وقتی رفتار نامناسب به ندرت اتفاق می افتد. اینروزه با یکدیگر در تقابل هستند و در یک زمان تنها یکی از آن ها را می توان انجام داد. پس با تقویت رفتار مناسب می توان از بروز رفتار نامناسب جلوگیری کرد. معیار مدیریت موفق در کلاس، پرهیز از مشکلات است، نه صرفاً برخورد با رفتارهای نامناسب.

نظریه های مدیریت کلاسی: در طی سالها نظریات مدیریت کلاسی متنوعی شکل گرفته اند هاردین (۲۰۰۸) بیان میدارد که این نظریات توانند به سه طبقه وسیع که به تمرکز و هدف مدیریت کلاسی برمیگردند تقسیم شوند، اول مدیریت کلاسی به عنوان انضباط مطرح هست اصولی که به وسیله این طبقه بندی حمایت میشوند عبارتند از: معلم مسئول کنترل کلاس است، انضباط بر آموزش مقدم است و برای رفتار نامناسب باید پیامدی وجود داشته باشد طرفداران این نظریه مدیریت رفتاری اسکینر انضباط قاطع کانتر انضباط کلاسی مثبت جونز و پیامد منطقی آلبرت میباشند برای مثال کانتر مدعی است که جنبه مهم این مدل برای معلمان تشخیص دانش آموز با عملکرد خوب حمایت آنها هنگامی که مطابق میل رفتار کرده و تصدیق مکرر رفتار خوب و تصریح آن چه را که معلمان از دانش آموزان میخواهند هست. مطابق با این مدل دانش آموزان از قوانین تبعیت مینمایند زیرا آنها برای چنین بودن پاداش دریافت میکنند و از سوی دیگر اگر از قوانین تخطی نمایند مستوجب پیامد هستند این مدل به طور گسترده در مدارس به کار گرفته شده و معلمان مد هستند که کاربردش آسان بوده و مؤثر هست. (سوئب، ۲۰۱۳) دوم مدیریت کلاسی است که به عنوان یک سیستم تعریف میشود این دسته از نظریات مدیریت کلاسی بر اهمیت مدیریت کلاسی نظام مند تأکید دارند از معلمان انتظار میرود که فعالیت های سرگرم کننده را به منظور به حداقل رساندن خطوط هر نوع اخلاص و اعتراض به ذهن دانش آموزان در طی این فعالیتها طرح کنند و سازمان دهند. این مدل؛ بر پیشگیری از بروز مشکل در عوض واکنش به مشکل متمرکز است طرفداران این مدل جایگاه و انضباط مندلر و کاروین برنامه مدیریت و سازماندهی کلاسی اورستون ساخت اجتماع کوهن و انضباط بدون استرس مارشال هستند به عنوان مثال مدل مارشال بر دو عنصر مهم که برای رفتار کلاسی مطلوب لازم هستند تأکید دارد: ۱- ارتقاء

مسئولیت پذیری در دانش آموزان به نسبت فرمان برداری آنها - بیان تفصیلی انتظارات و سپس اختیاردی به دانش آموزان برای رسیدن به این انتظارات او همچنین بر اهمیت پروژه و بهره برداری مثبت گرایانه قاطع در واژگانی که معلم با دانش آموزان سخن میگوید تأکید دارد از سوی دیگر باید از تنبیه دوری شود. (سوئب، ۲۰۱۳) سومی، مدیریت کلاس به عنوان آموزش تعریف میشود این رویکرد بر تدریس رفتار و مهارت های اجتماعی مناسب متمرکز است؛ با مورد توجه قرار دادن کمک کردن به دانش آموزان در توسعه تعاملات مثبت در طول زندگی شان به نسبت رفتار در لحظات خاص پیروان این مدل انضباط درونی کولورونسو، آموزش شخصیت، لیکونا، تفکر همسالان و تجزیه و تحلیل تضاد بودین و کراوفورد، انضباط قضای سلیم گاسرکول میباشند برای مثال راهکاری که لیکونا اتخاذ می نماید شامل شش گام است که او آن را کنفرانس « انصاف مینامد این شش گام عبارتند از:

۱ - بیان مسئله به کارگیری یک پیام معلم آنچه را که میبیند که در حال وقوع است به دانش آموز میگوید ۲. جویا شدن دیدگاه دانش آموزان پیرامون مسئله گوش دادن با دقت بدون قضاوت به آن چه که دانش آموزان در پاسخ میگویند. ۳. گوش دادن فعالانه گوش دادن فعال به این معناست که معلم بدون قضاوت توضیحات پیشنهادی دانش آموزان را بازگو میکند. ۴ حل مسئله کدام راه حل احتمالی با مسئولیتهای حرفه ای معلم تناسب دارد و همزمان یافتن نیازهای آموزشی دانش آموزان-۵- توافق بر واژگان توافق بر سر واژگان به کار رفته از سوی معلم و دانش آموز ۶- پیگیری: معلم میتواند بعداً دانش آموزان را بررسی کرده و راه حلهایی که آنها در حال کار کردن با آن هستند جویا شود (سوئب، ۲۰۱۳).

لوی و نولان سه نظریه اساسی در مورد مدیریت کلاس مطرح کردند که شامل نظریه عدم مداخله، تعامل گرا، و مداخله گرا که به اجمال به بررسی هریک از این نظریه ها می پردازیم :

نظریه عدم مداخله: مفهوم نظریه عدم مداخله در مدیریت کلاس مبتنی بر سیستم اعتقادی، فلسفی، و روانی است که به مشترکات انسانی و دانش آموز محور اشاره دارند. ایده اساسی این نظریه این است که دانش آموزان باید مسئولیت اصلی کنترل رفتارشان را برعهده داشته باشند. طرفداران این نظریه معتقدند دانش آموزان طبیعتاً قادر به کنترل رفتار خود و اگر برای انجام کار به آن ها فرصت داده شود، این کار را خواهند کرد. نقش اصلی و اساسی معلم در مدیریت کلاس از دیدگاه نظریه عدم مداخله آن است که ساختار کلاس و تمامی شئون کلاس را به گونه ای سازماندهی و هماهنگ نمایند تا کنترل رفتار دانش آموزان تسهیل شود.

نظریه تعامل گرا: الگوهای تعاملی در مدیریت کلاس همانگونه که از نام آن مشخص است، برپایه این ایده اساسی قرار دارد که کنترل رفتار دانش آموزان مسئولیت مشترک معلمان و فراگیران است و تنها نمی توان مسئولیت آن را به معلمان واگذار کرد. طرفداران نظریه تعامل گرای در مدیریت کلاس بسیاری از عقاید انسانی یا روان شناختی دانش آموز محور را قبول دارند || معتقدند ماهیت گروهی کلاس مستلزم این است که معلم نیازهای گروه را به عنوان یک کل بر نیازهای فردی دانش آموزان ترجیح دهد و از راهبردهای گروهی یاددهی- یادگیری به جای راهبردهای فردی استفاده کند. آن ها معتقدند چون یکی از اهداف بلند مدت و ضمنی تعلیم و تربیت کمک به دانش آموز در آموختن و کنترل رفتار خویش است، پس باید به آن ها فرصت هایی برای کنترل رفتار داده شود، اما به هر حال معلم باید مسئولیت رفتار دانش آموزان را برعهده گیرد، زیرا کلاس در موقعیت یادگیری گروهی است.

نظریه مداخله گرا: سیستم مداخله ای مدیریت کلاس بر اصول اساسی روان شناسی رفتاری و این اعتقاد بنا شده که کنترل رفتار دانش آموزان اولین مسئولیت معلم است. طرفداران نظریه مداخله ای معتقدند دانش آموزان می خواهند معلم متصدی کلاس باشد و

انتظار دارند معلم مراقب رفتار درست فراگیران باشد. آن ها فکر می کنند مبنای انضباط مثبت کلاسی، ایجاد محیطی است که معلم می فرآیند و دانش آموزان را بر می انگیزد تا رفتار مناسب از خود نشان دهند (لوین و نولان ، به نقل از فرخ نژاد، ۱۳۸۰ : ۵۹). مداخله های ارزشمند : زاکرمن علاوه بر رویکردهای کلی لوین و نولان به مدیریت کلاس، رویکرد جدیدتری را به آن می افزاید. این رویکرد را مداخله ای ارزشمند می نامند. او این گونه عنوان می نماید که به دلیل تغییرات بی شمار، رویکردهای واکنشی و پیش گیری در مدیریت کلاس برای حل مشکلات کلاس کافی نیست. مداخله ارزشمند از دیدگاه زاکرمن در مدیریت کلاس عبارت است از دوباره سازمان دادن طرح درس توسط معلم و در نظر گرفتن خصوصیات و ویژگی های دانش آموزان در آن ، رها کردن شیوه های سنتی تدریس (به خصوص به صورت سخنرانی) و تغییر آن به روش های یادگیری فعال مثل روش های یادگیری فعال گروه های کوچک. در مداخله ارزشمند مقابله با این تصور غلط در میان معلمان مطرح می شود که می پندارند مسئولیت اصلی معلم در کلاس کنترل رفتار دانش آموز است و ترویج این تصور که مسئولیت اصلی معلمان در مدیریت کلاس کمک به فراگیران و دانش آموزان در جهت کنترل رفتارهای خود است، زیرا دانش آموزان توانایی کنترل رفتارهای خود را در کلاس درس دارند و تنها معلمان به آن ها کمک می کنند این امر را خود دانش آموزان انجام دهند. در این نظریه ، توجه به عوامل بیرونی در کنترل رفتارهای فردی دانش آموزان در مدیریت کلاس به کنترل رفتارها با توجه به عوامل درونی و به صورت خودکنترلی در دانش آموزان می انجامد (زاکرمن ، ۲۰۰۷ : ۱۳). موضوعات و مواد درسی را به درستی تدوین کرد و هم اینکه نظم مورد نیاز یک دوره تحصیلی را در کلاس به وجود آورد. می توان گفت معلم برنامه ریزی، با بیان و تعریف اهداف آموزشی مورد نیاز بر اساس ادراک خود از آنچه باید تحقیق یابد و آنچه می تواند تحقق یابد، چارچوب و محدودیت های مختلف (زمانی و مکانی) را مطرح می کند. با توجه به دیدگاه های پژوهشگران و صاحب نظران

تعلیم و تربیت کارکرد برنامه ریزی در مدیریت کلاس، تقریباً مترادف با طراحی آموزشی و طرح ریزی معلم است (کرزن ، به نقل از فرخ نژاد ، ۱۳۸۰ : ۶۳).

سبک های مدیریت کلاس درس :

۱. سبک مدیریت مقتدرانه - استبدادی

معلمی که در مدیریت کلاس خود از این سبک استفاده می کند، دانش آموزان را بسیار محدود و کنترل می کند. دانش آموزان غالباً در تمام مدت آموزش در صندلیهای خود می نشینند. میزها و صندلیها معمولاً در یک ردیف و به صورت سنتی چیده شده اند و هیچ انحرافی در چیدن میزها وجود ندارد. دانش آموزان باید از شروع تا پایان آموزش در صندلیهای خود بنشینند. این معلم به ندرت اجازه خارج شدن از کلاس را به دانش آموزان می دهد و هیچ عذری را برای غیبت نمی پذیرد. غالباً کلاس او آرام است. دانش آموزان می دانند آنها نباید مزاحم معلم شوند. آنها نباید هیچ صحبت و یا بحثی در کلاس داشته باشند. دانش آموزان معلم مقتدر فرصتی برای یادگیری یا تمرین مهارت های ارتباطی ندارند. این معلم انضباط سخت را ترجیح می دهد و انتظار اطاعت محض دارد. ایستادن در برابر این معلم، منجر به نگرانی دانش آموز در مدرسه یا ارجاع موضوع به دفتر مدیر مدرسه می شود. در این کلاس دانش آموزان دستورها را مستقیماً دریافت می کنند و حق هیچ گونه سؤالی ندارند. در نهایت هیچ گونه نشانی از این که معلم مقتدر مستبد از دانش آموزانش حمایت کند وجود ندارد. دانش آموزان معلم مقتدر به ندرت تشویق می شوند یا جایزه می گیرند. چنین معلمی هیچ کوششی برای

سازماندهی فعالیت‌های آموزشی در کلاس انجام نمی‌دهد و این احساس را دارد که موارد ذکر شده مانع یادگیری دانش آموز می‌شود. معلم مستبد اعتقاد دارد که دانش آموزان باید فقط به سخنرانی او برای کسب اطلاعات ضروری گوش دهند. احتمالاً دانش آموزان چنین معلمی از شروع فعالیت بیزارند، برای این که آنها احساس ضعف می‌کنند و اعتماد به نفس لازم را ندارند. چنین معلمی به دانش آموزانش می‌گوید چه کار کنند و چه وقت کار کنند. خود تمام تصمیمات کلاس را می‌گیرد. بنابراین سبک مدیریت او به ندرت باعث پیشرفت انگیزه یا تنظیم اهداف مشخصی می‌شود.

۲. سبک مدیریت اقتدارگرایانه - مشاوره ای

معلم سبک مستبد- مشاوره‌ای محدودیت‌ها و کنترل‌هایی برای دانش آموزان وضع می‌کند اما همزمان استقلال فردی را تشویق می‌کند. این معلم اغلب دلایل وضع قوانین و تصمیمات را توضیح می‌دهد. اگر دانش آموزی مزاحم کلاس است، مؤدبانه، اما سخت و محکم او را سرزنش می‌کند. این معلم بعضی اوقات قوانین انضباطی خارج از کلاس را وضع می‌کند و شرایطی نیز برای تعامل زبانی بین دانش آموزان - نظیر بحث‌های انتقادی را فراهم می‌کند. دانش آموزان می‌دانند که می‌توانند هنگام تدریس معلم از او سؤال کنند. این محیط فرصت‌هایی برای یادگیری مهارت‌های اجتماعی فراهم می‌آورد. چنین معلمی نگرش مثبتی درباره دانش آموزان، شرح علایق و احساسات آنها دارد و کلاسش با تشویق و جایزه توأم است. غالباً روی تکالیف دانش آموزان توصیه‌هایی می‌نویسد و باز خورد مثبت به دانش آموزان می‌دهد. چنین معلمی اعتماد به نفس و رفتار شایسته اجتماعی را تشویق می‌کند و انگیزه پیشرفت سطح بالا را پرورش می‌دهد و غالباً دانش آموزان را از طریق پروژه‌ای هدایت می‌کند. دانش آموزان درباره چنین معلمی می‌گویند: این معلم را دوست دارم، او منصف است و می‌فهمد که دانش آموزان نمی‌توانند بی نقص باشند. او معلمی است که شما می‌توانید بدون هیچ گونه خجالتی مسائل و مشکلاتتان را با او در میان بگذارید.

۳. سبک مدیریت آزاد منشانه

معلم آزاد منشانه کنترل و محدودیت کمی بردانش آموزان دارد. تلاش می‌کند به احساسات دانش آموزان آسیبی نرساند و در گفتن نه یا تحمیل قوانین به دانش آموزان مشکل دارد. اگر دانش آموزی مزاحم کلاس می‌شود چنین معلمی ممکن است فرض کند که او توجه کافی به دانش آموز نداشته است. وقتی دانش آموزی حرف چنین معلمی را قطع می‌کند، او بر این باور است که دانش آموز مطمئناً چیز باارزشی برای گفتن در کلاس دارد. این معلم نظم و انضباط پیشنهادی را می‌پذیرد، با دانش آموزان سروکله می‌زند و خیلی مراقب آنهاست. بیشتر متوجه احساسات دانش آموزان است تا اینکه آنها را کنترل کند. بعضی اوقات تصمیم‌گیریهایی کلاسی‌اش را بیشتر بر اساس احساسات دانش آموزان تنظیم می‌کند تا بر مسائل آموزشی. چنین معلمی می‌خواهد دوست دانش آموزانش باشد. حتی ممکن است روابط خارج از کلاس را تشویق کند. این معلم یک مشکل زمانی برای تنظیم مرز میان زندگی حرفه‌ای و زندگی خصوصی دارد. به هر حال، این آزادی بیش از حد در کلاس، به مهارت و شایستگی اجتماعی و کنترل شخصی می‌انجامد. یادگیری مهارت‌های اجتماعی برای دانش آموزانی که معلم آنان خیلی آمرانه عمل می‌کند، بسیار مشکل است. دانش آموزان غالباً این نوع معلم را دوست

دارند. یک دانش آموز مدرسه راهنمایی درباره این معلم می گوید: این معلم محبوب همه است، دانش آموزان مجبور نیستند همواره در کلاس جدی باشند. بعضی اوقات اوضاع از کنترل خارج می شود و ما اصلاً چیزی یاد نمی گیریم.

۴. سبک مدیریت بی تفاوت

معلم بی تفاوت خیلی درگیر کلاس نمی شود. این معلم تقاضای کمی دارد و به کلاس هایش علاقه ای نشان نمی دهد. معلم بی تفاوت نمی خواهد بر دانش آموزان نفوذ داشته باشد. به این ترتیب، او احساس می کند که آمادگی کلاس ارزش تلاش و کوشش را ندارد. او اغلب از همان مواد آموزشی سالهای قبل استفاده می کند. همچنین نظام و انضباط کمی در کلاس چنین معلمی وجود دارد. این معلم ممکن است فاقد مهارت ها و شایستگی های لازم باشد. دانش آموزان نگرش های معلم بی تفاوت را احساس و درک می کنند. در کلاس چنین معلمی، یادگیری خیلی کم صورت می گیرد. هر کس در کلاس حرکت و زمان را تلف می کند. در یک چنین محیطی دانش آموزان فرصت خیلی کمی برای مشاهده یا تمرین مهارت های اجتماعی دارند. با توجه به انتظارات کمی که از آنها می رود، نظم و انضباط در چنین کلاسی خیلی کم است، دانش آموزان انگیزه اندکی برای پیشرفت دارند و از نظر کنترل شخصی کمبود دارند. «دانش آموزی درباره کلاس چنین معلمی اذعان می کند: این معلم نمی تواند کلاس را کنترل کند و ماهیچ وقت چیزی در آنجا یاد نمی گیریم. تکالیف سختی در کلاس گفته می شود و افراد به ندرت کتابهایشان را همراه می آورند. «چنین معلمی هر سال از طرح درسهای مشابه و یکسان برای همه درسها استفاده می کند. هیچ وقت زحمت به روز کردن آنها را به خود نمی دهد. برای این معلم روزها مثل هم هستند. هنگام تدریس، نخست بیست دقیقه از وقت کلاس را به روش سخنرانی اختصاص می دهد. این معلم وقتی از فیلم یا اسلاید استفاده می کند، این کار را جانشین سخنرانی خود می کند. اگر زمان باقی باشد به دانش آموزان اجازه می دهد به آرامی مطالعه و با یکدیگر صحبت کنند. آنها در دسری برای او ایجاد نمی کنند و به ندرت متوجه می شود که مسئول تعلیم و تربیت دانش آموزان است. زندگی ما انسانها در اقیانوسهای گوناگون سپری می شود. یکی از آنها هواست. بدون هوا نمی توانیم زنده بمانیم و می میریم. یکی دیگر، اقیانوس ارتباطات است. اگر از این اقیانوس بیرون بیفتیم، باز هم نمی توانیم به حیاطمان ادامه دهیم و می میریم. از طریق ارتباط، زنده بودن و زندگی کردن را حس می کنیم و از مزایای آن بهره می گیریم، لذت می بریم و شادمان می شویم. یا از طریق همین ارتباطات، از زشتیها و نابسامانیهای زندگی خود و دیگران آگاه می شویم و متأثر می گردیم. در واقع در هیاهوی ارتباطات، بازندگی و درک حضور و وجود شادایا و رنجها به دونوع ارتباط برمی خوریم: یکی ارتباط شادمانه و لذت آفرین و دیگری ارتباط غمگانه و رنج آور. ارتباطهای نوع اول را می توان ارتباطهای سالم نامید، چون برای ما شادمانی و رضایت می آورند. (سعادت) و ارتباطهای نوع دوم را می توان ارتباطهای ناسالم نام گذاشت، چون برای ما اندوه و غصه می آورند. (بدبختی و ناکامی). بیشترین ساعات زندگی کاری و حتی زندگی بیکاری ما انسانها با نوعی از ارتباطات

پرمی شوند که به ارتباطهای کلامی مشهورند. متأسفانه بیشترین گرفتاریهای زندگی ما از ناتوانی در برقراری این نوع ارتباطهای کلامی ناشی می شود. حساسترین میدان ارتباطهای کلامی، بین پدرها و مادرها و معلمان با کودکان است. چون کودکان انباشته از احساسات هیجان آور هستند. پس شکی نیست که مهمترین و احتمالاً دشوارترین مهارتی که معلمان لازم دارند این است که یادگیرندگان ارتباط کلامی خود را پالایش دهند و نگذارند ویژگیهای هیجانی آنها بالا بگیرد. ارتباطهای کلامی سالم مجموعه ای از گفت و شنودهای زبانی است که در برخورد و رویا روییهای خشن و عذاب آور، جادو می کنند و هیجانها را فرو می نشانند. تفکر را برمی انگیزانند و تنبیهای

ناخواسته رابه آرامش تبدیل می کنند. این قانون رفتاری در تمامی ارتباطهای کلامی که بین ما انسانها برقرار می شود حاکمیت دارد. اما در روابط کلامی با نسلهای کم سن و سال و لاجرم کم تجربه، حاکمیت قاطع تری نشان داده است.

بهبود کیفیت آموزش و پرورش علاوه بر اینکه وابسته به اهداف و محتوای آن است، تحت تأثیر روشهای وصول به آن اهداف و محتوا قرار دارد بررسی تأثیر روشها در بعضی از زمینه های آموزش و پرورش نسبت به زمینه های دیگر پیچیده تر و دشوارتر است که بررسی تأثیر روشهای تدریس بر یادگیری ارزشها و تغییر نگرشها از این جمله است (کاظمی و سعیدی رضوانی، ۱۳۸۳). از سوی دیگر فقط توضیح دادن، درس تدریس محسوب نمیشود و فقط گوش کردن به معنای یادگیری نیست و هدف از یادگیری به یادآوردن و یادگیری انفعالی نیست؛ بلکه فعال و خلاق بارآوردن دانش آموزان و کار گروهی است. متأسفانه در کشور ایران معلمان بیشتر از روشهای آموزش مستقیم به ویژه سخنرانی استفاده کنند اگرچه روش سخنرانی برای پاره ای از مطالب مفید است و میتوان با استفاده از آن اطلاعات جامعی را در مدت زمان کوتاه در اختیار گروه زیادی از دانش آموزان قرار داد؛ اما به دلیل نظم بیش از حد و انعطاف ناپذیر کردن، کلاس منفعل بودن دانش آموزان عدم پرورش خلاقیت، توجه ناکافی به رشد اجتماعی - عاطفی، تمرکز زیاد بر تکالیف مداد کاغذی یادگیری طوطی وار، عدم تعامل همکاری و بحث و گفتگوی معلم با دانش آموزان و دانش آموزان با یکدیگر مورد انتقاد قرار گرفته است (سیف ۱۳۹۲). برخلاف آموزش معلم محور در طراحی و آموزش دانش آموز محور تمرکز از معلم برداشته شده و متوجه دانش آموز میشود؛ یعنی دانش آموزان به کمک معلم مسئولیت درک و فهم یادگیری را بر عهده میگیرند و آنها به جای رقابت، یار و حامی همدیگر هستند (بیابانگرد، ۱۳۹۰). بنا به گفته اسلاوین (۲۰۱۱) یادگیری مشارکتی به عنوان روشی آموزشی است که در آن معلمان دانش آموزان خود را به گروههای کوچکی سازمان دهی میکنند تا دانش آموزان به کمک یکدیگر و با همفکری هم محتوای علمی را یاد بگیرند آموزش دانش آموز - محور، معلم ها را تشویق میکند که دانش آموزان را یاری دهند تا درک خود را فعالسازی کنند، تأثیر روش تدریس بحث گروهی بر مهارتهای اجتماعی و... هدفهای خود را تعیین و برای رسیدن به آنها برنامه ریزی کنند تفکر عمیق و خلاق داشته باشند یادگیری خود را پیگیری کنند برای مسائل زندگی روزمره راه حل هایی بیابند، اعتماد به نفس خود را افزایش دهند و هیجانانگیزشان را کنترل کنند انگیزش درونی و تحمل دیدگاه های همکلاسی های خود را داشته باشند با دیگران از جمله با کسانی که از نظر فرهنگی و قومی با آنان تفاوت دارند به طور مؤثر همکاری کنند (سانتراک، ۲۰۰۸؛ ترجمه سعیدی، عراقچی و دانش فر، ۱۳۹۳). روشهای دانش آموز - محور متنوع اند؛ یکی از روشهای فعال یادگیری که توجه صاحب نظران را به خود جلب کرده آموزش به کمک بحث گروهی است. بحث گروهی گفتگویی سنجیده و منظم درباره موضوعی خاص است که مورد علاقه مشترک شرکت کنندگان در بحث است. در این روش معلم موضوع یا مسئله خاصی را مطرح می کند و دانش آموزان درباره آن به مطالعه، اندیشه بحث و اظهار نظر پرداخته و نتیجه می گیرند. دانش آموزان در ضمن مباحثه از اندیشه و نگرشهای خود با دلایل متکی بر حقایق، مفاهیم و اصول علمی دفاع میکنند آنها در اجرای صحیح بحث، گروهی باید توانایی سازماندهی عقاید و دیدگاههای خود تحمل انتقادات دیگران چه درست و نادرست و ارزیابی نظرهای مختلف را داشته باشند، شعبانی (۱۳۹۱) بحث گروهی به دو شیوه میتواند انجام گیرد؛ یک شیوه آن به صورت بحث کل کلاس و شیوه دیگر آن بحث در گروه های کوچک است.

در بحث کل کلاس همه دانش آموزان کلاس در بحث شرکت میکنند و در بحث گروههای کوچک، معلم دانش آموزان را به گروه های سه یا چهار نفره تقسیم میکند و موضوعات بحث برانگیز را برای گروه ها مطرح کرده و دانش آموزان باید با همدیگر درباره موضوع مطرح شده به بحث و گفتگوی سنجیده بپردازند کلارک (۲۰۱۵). صاحب نظران چندین ویژگی کلیدی برای این روش

برشمرده اند که عبارت اند از: ۱- در یک کلاس درس گفتگو محور، روابط قدرت انعطاف پذیر، است اختیارات به اشتراک گذاشته میشود و همه دانش آموزان فرصت برابری برای شرکت کردن در بحث دارند و آنها باید به حقوق دیگران احترام بگذارند شارپ و اسلینگر، ۱۹۹۵ به نقل از رزنسٹیکایا و همکاران، ۲۰۱۲. ۲- تدریس گفتگو محور متکی بر سؤالهای باز یا واگر است. هدف از طرح سؤالات واگرا، نه سنجش دانش آموزان و نه پاسخهای مورد نظر معلم به این سؤالات است؛ بلکه هدف، بالابردن درک دانش آموزان و معنی دار کردن یادگیری و توجه به روحیه مساوات طلبی در دادن پاسخ است. (رزنسٹیکایا و همکاران ۲۰۱۲). ۳- در این روش قدرت بیان فراگیر تقویت میشود و در نهایت تحمل و سعه صدر او در شنیدن نظرهای متفاوت بیشتر میشود و از طریق همکاری با دیگران مهارت های تعامل و تبادل نظر با دیگران را کسب می کند همچنین این روش باعث افزایش اعتماد به نفس و کاهش خجالت و کم رویی در فراگیران می شود. ۴- نقش اصلی معلم در روش بحث گروهی کمک به دانش آموزان در جهت تقویت استدلال است، برای رسیدن به این توانایی معلم میتواند از دانش آموزان بخواهد که هنگام گفتگو درباره سؤالات به قضاوت بپردازند، نه صرفاً به سؤالات جواب دهند گروهی، (۲۰۰۷). ویگوتسکی (۱۹۶۸) به عنوان یکی از مدافعان روش گفتگو محور معتقد است طرحواره های استدلالی و شیوه های تفکر با زبان در ارتباط اند که از طریق گفتگوی سنجیده تقویت می شود. عوامل مختلف فردی و محیطی بر یادگیری و پیشرفت تحصیلی دانش آموزان تأثیر میگذارند که شامل شیوه انتخاب و سازماندهی فعالیت و شیوه تدریس تنظیم اهداف واقع بینانه و مناسب انتخاب تکالیف مناسب برای یادگیری چگونگی تعامل معلم و فراگیر میزان مشارکت فراگیران و... است. بسیاری از این عوامل از طریق برنامه ریزی سازماندهی مناسب فعالیتها و مشارکت دادن فراگیران در تدریس و یادگیری قابل تغییر و اصلاح است (مقرب ناطقی و شریف زاده، ۱۳۹۲). بنابراین یکی از عوامل تولید کننده انگیزش و افزایش یادگیری نحوه تدریس است (اسلاوین، ۲۰۱۱). تحقیقات متعددی نشان داده اند روش تدریس بحث گروهی میتواند پیشرفت تحصیلی دانش آموزان را افزایش دهد. (گیبسون، ۲۰۰۰؛ اسلاوین، ۲۰۰۶، پالوک هامن و ویلسون، ۲۰۱۱). آموزش یکی از مهمترین و جنجالی ترین فعالیتهای بشری است و به دلیل اهمیت تربیت نظرگاهها و دیدگاههای متعددی در مورد آن ارایه شده و روز به روز در حال ارایه است. روش بارش مغزی هم از سوی متخصصان آموزش و پرورش و هم از سوی متخصصان آموزش خلاقیت به عنوان روش تدریس حل خلاق مسائل معرفی شده است و یافته های پژوهشی زیادی اثرگذاری آن را بر روی پرورش مهارت های حل مساله دانش آموزان به اثبات رسانده اند. آموزش دادن دانش آموزان با روش بارش مغزی حل مساله را به نحو خلاقانه ای در آنان بالا می برد. " روش بارش مغزی می تواند به عنوان وسیله ای برای یادآوری مفاهیم و اصول مورد نیاز برای حل مساله به یادگیرندگان کمک می کند. " (علی اکبر، سیف، ص ۵۵۱-۵۵۲) بارش مغزی در تدریس و یادگیری کارکردهای مفیدی نشان می دهد و به تسهیل برقراری ارتباط بین راه حل ها و ایده ها می انجامد. در گروههای بارش مغزی، مشارکت اعتلا می یابد، انتقاد و ایرادگیری کاهش می یابد، حمایت اجتماعی افزوده می شود و توانایی دانش آموزان برای " انتقال " اطلاعات برای حل مساله تعیین شده، افزایش و بهبود می یابد. یعنی دانش آموز به راحتی می تواند اطلاعات ذخیره شده در حافظه بلند مدت خود را بازیابی کرده و برای حل مساله به کار گیرد. روش تدریس بارش مغزی در عمل به تفکر واگرا و حل مساله خلاق یاری می رساند. این روش اعتماد به نفس فراگیران را افزایش

داده و باعث می شود تا فراگیران به یک خودباوری مثبتی نایل شوند. خودباوری احتمالاً "اثرگذارترین حالت بر تمام رفتارهای انسانی است. با اطمینان می توان گفت بدون خودباوری و بدون داشتن اعتماد به نفس و شناخت کافی از خود و بدون باور کردن توانایی

هایمان برای انجام عملی خاص نمی توانیم آن عمل را چه عملکرد عاطفی باشد و چه شناختی، با موفقیت به انجام برسانیم. ("اچ داگلاس براون " اصول یادگیری و آموزش زبان / ص ۱۴۹) همچنین کلاس درس از حالت تکراری بودن خارج می شود و تنوع و رفع خستگی و ایجاد شادی و نشاط را به دنبال دارد. ضمناً " برای ایجاد این گونه فضا در محیط کلاس نیاز به کمی صبر و حوصله و تحمل سروصداست که البته می توان فضا را هم عوض کرد، نمازخانه و یا کتابخانه مدارس برای این کار می تواند فضای خوبی باشد. تکنیکی مبتنی بر مذاکره تحت عنوان به معنای بارش مغزی وجود دارد؛ به این صورت که همه افراد دور هم می نشینند و در مورد یک موضوع، به بحث و مناظره می پردازند و هر فرد، موردی و یا راه حلی به ذهنش رسید به جمع مطرح می کند. همه می توانند صحبت کنند. معلم که نقش هدایتگر جمع را به عهده دارد، همه مطالب و صحبتها را یادداشت می کند. به این ترتیب با یک مشارکت گروهی و تلبار کردن افکار روی هم در یک جمع می توان راه حلهایی برای مشکلات پیدا کرد. علاوه بر آن چون همه باید در بحث شرکت کنند، خود موجب افزایش خلاقیت می شود. لذا یک معلم در این گونه جمع ها، در این تکنیک بسیار حساس است. چرا که دانش آموزان می خواهند بدانند معلم بسیار با درایت عمل می کند. موضوعات قابل طرح در این تکنیک می تواند هر موضوعی که به نظر شاگردان جالب به نظر می رسد، حتی در مورد معضلات اجتماعی مانند دفع درست زباله، صرفه جویی در آب و بسیاری از مشکلات فردی و اجتماعی، اتفاقاً " بسیاری از اوقات، دانش آموزان راهکارهایی را ارائه می دهند که ممکن است به فکر دیگر افراد جامعه نرسد؛ چرا که افکار ما اغلب قالب ریزی شده و یک سمت و سوی مشخصی پیدا کرده است. ولی ذهن آنها هنوز شفاف است و می تواند راههای جدیدی را نشان دهد. بارش مغزی یکی از شناخته شده ترین شیوه های برگزاری جلسات همفکری و مشاوره بوده و کاربرد جهانی دارد. این روش دارای مزایا و ویژگیهای منحصر به فرد است. در واقع بسیاری از تکنیکهای دیگر منشعب از این روش است. این روش توسط الکس اسبورن در سال ۱۹۸۸ معرفی شد. در آن زمان بنیاد فرهنگی اسبورن این روش را در چندین شرکت تحقیقاتی، بازرگانی، علمی و فنی برای حل مشکلات و مسائل مدیریت به کار گرفت. موفقیت این روش در کمک به حل مسائل آن چنان بود که ظرف مدت کوتاهی به عنوان روشی کارآمد شناخته شد. فرهنگ لغت " وبستر " تعریف بارش مغزی را چنین بیان می دارد: تکنیک برگزاری یک کنفرانس که در آن سعی گروه بر این است تا راه حل مشخصی را بیابد. در این روش همه نظرات در جمع بندی مورد استفاده قرار می گیرند. روش بارش مغزی امروزه یکی از متداول ترین روشهای تصمیم گیری گروهی بوده و موجب گسترش و تحول بسیاری از روشهای مرتبط و مشابه شده است. دانشمندان زیادی از جمله اسبورن، کال و همکاران، بوچارد، گچار و همکاران، دلبگ و همکاران، لوئس و نگاندی و سیچ در کتابهای خود به این روش پرداخته اند و برای ارتقاء آن کوشیده اند.

نتیجه گیری

در این مقاله، نظریه ها و روش های تدریس و سبک های مدیریتی کلاس بررسی شده و تأثیر این روش ها بر روند تحصیلی دانش آموزان مورد بررسی قرار گرفته است. از این بررسی مشخص شده است که روش های تدریس متنوع و سبک های مدیریتی متنوعی می تواند تأثیر قابل توجهی بر عملکرد تحصیلی دانش آموزان داشته باشند. یکی از نظریه های مورد بررسی در این مقاله نظریه یادگیری تعاملی

است. این نظریه بر این اساس است که دانش آموزان بهترین زمان یادگیری را با تعامل با محیط و دیگران دارند. از طریق روش‌های تدریس تعاملی مانند گفتگوها، گروه‌های کاری و بازی‌های یادگیری، دانش آموزان توانایی آنالیز، تفسیر و استفاده از دانش خود را بهبود می‌بخشند. در مقابل، روش‌های تدریس سنتی و اتوریترین می‌توانند تأثیر منفی بر روند تحصیلی دانش آموزان داشته باشند. در این روش‌ها، تکلیف‌ها و قوانین به صورت یک‌طرفه آموزش داده می‌شوند و دانش آموزان کمتر فرصتی برای بررسی و تفکر خود

دارند. علاوه بر روش‌های تدریس، سبک‌های مدیریتی کلاس نیز تأثیر قابل توجهی بر روند تحصیلی دانش آموزان دارند. سبک‌های مدیریتی مبتنی بر انگیزش و تشویق، خودمختاری و شرکت‌پذیری دانش آموزان را تقویت کرده و عملکرد تحصیلی آن‌ها را بهبود می‌بخشند. به عنوان مثال، استفاده از تمرین‌های تعاملی و تحسین‌شده، دانش آموزان را وادار به فعالیت‌ها و تمرکز بیشتر در کلاس می‌کند. بدین ترتیب، می‌توان نتیجه گرفت که استفاده از روش‌های تدریس تعاملی و سبک‌های مدیریتی قائل به انگیزه و تشویق در کلاس، تأثیر مثبت و قابل توجهی بر روند تحصیلی دانش آموزان دارد. در عین حال، استفاده از روش‌های تدریس سنتی و سبک‌های مدیریتی کنترل‌گر می‌تواند منجر به کاهش عملکرد تحصیلی دانش آموزان شود. به منظور بهبود روند تحصیلی، توصیه می‌شود مدیران و معلمان سعی کنند با بهره‌گیری از روش‌های تدریس تعاملی و سبک‌های مدیریتی قائل به انگیزه و تشویق، به ایجاد یک محیط سعی کنند با بهره‌گیری از روش‌های تدریس تعاملی و سبک‌های مدیریتی قائل به انگیزه و تشویق، به ایجاد یک محیط آموزشی مثبت، مشارکتی و فعال باشند. این تلاش‌ها می‌تواند به بهره‌وری بیشتر از دانش آموزان و بهبود عملکرد آنان در روند تحصیلی منجر شود.

منابع

شعبانی حسن. (۱۳۹۰). مهارت‌های آموزشی و پرورشی روشها و فنون تدریس ج ۱۰، تهران سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاهها (سمت)

الفبای مدیریت کلاس درس (راهنمایی برای آموزش)- روبرت تی.تایر، مترجم: دکتر محمد رضا سرکارآرانی انتشارات مدرسه
سهم معلم، شیوه معلم (نگاهی به حرفه مندیهای معلم) _ دکتر علی رؤوف انتشارات آستان قدی رضوی
ماهنامه پرورشی تربیت بهمن ماه ۱۳۸۰ استفاده از مقاله کیست معلم شایسته و کاردان؟ ترجمه الهام روشنایی ، وزارت آموزش و پرورش

ماهنامه آموزشی- پژوهشی رشد تکنولوژی آموزشی اسفند ماه ۸۰-۷۹ استفاده از مقاله مدیریت کلاس ترجمه توحید صیامی
دفتر انتشارات کمک آموزشی

ماهنامه آموزشی- پژوهشی رشد تکنولوژی آموزشی آبان ماه ۸۰-۷۹ ، استفاده از مقاله مدیریت کلاس درس از امان الله صفوی ،
دفتر انتشارات کمک آموزشی

Ayse Caner, H; Tertemiz (Isik), N. (*). Beliefs, attitudes and classroom management: A study on prospective teachers. Procedia social and behavioral sciences. Vol. 4, pp: 100_
۱۶۰.

Djigic G; Stojiljkovic, S. (1). Protocol for classroom management styles assessment designing. Procedia- social and behavioral science. Vol . pp: 10. VE.

Djigic G; Stojiljkovic, S (Y). Classroom management styles, classroom climate and school achievement. Procedia- social and behavioral science. Vol. 1, pp: ^19- AY.

Dobrescu, T; Florina Grosu, E (1). Aspects regarding classroom management and Its part in making the educational process more effective procedia- social and behavioral science. Vol.
۱۴۱۰.